

سبک‌شناسی نحوی نامه‌های امیرکبیر: با تکیه بر نامه‌های وی به ناصرالدین شاه

علی عزیزی^۱، حسن آرایش^۲

^۱ کارشناسی ارشد، زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه سلمان فارسی، کازرون
^۲ دانشجوی دکتری، علوم سیاسی، گرایش مسائل ایران، دانشگاه شیراز

نویسنده مسئول:

علی عزیزی



چکیده

امیرکبیر، از تأثیرگذارترین رجال دستگاه دولتی قاجار است که در مدتی اندک، اقدامات اصلاحی مهمی جهت بهبود امور کشور انجام داد. از اسناد باقیمانده او که اهمیت زیادی دارد، نامه‌های ایشان است که نشان دهنده نوع گفتمان و دیالوگ‌های او می‌باشد. این پژوهش به صورت کتابخانه‌ای به بررسی مختصات سبکی نامه‌های امیرکبیر، از دیدگاه سبک‌شناسی نحوی پرداخته و نتایج به صورت توصیفی - تحلیلی در قالب نمودار بیان شده است. از نظر دسته‌بندی انواع نثر، نامه‌های ایشان از نوع نثر مرسل می‌باشد که نویسنده برای بیان مقصود خود از نگارشی عامیانه استفاده کرده است. مهم‌ترین ویژگی‌های نحوی این نامه‌ها، زبان و بیان محاوره‌ای آن است. دستور و ساختار زبانی جملات بیشتر شکل گفتاری دارد. وجه مشخصه جملات، کوتاهی و اختصار آن است؛ البته در بین کلام، جملات طولانی نیز وجود دارد. جملات دعایی عربی بخش اندکی از بسامد دستوری را به خود اختصاص داده است. وجه بارز ساختار نحوی نامه‌ها، دوری از تکلف و لفاظی‌های زبانی است. محاوره‌ای و گفتاری بودن نحو جملات مهم‌ترین ویژگی نحوی جملات ایشان است. جملات، ساده، روشن، گویا و صریح است و اصل در بیان ایشان بر سادگی جملات بوده است و به عبارت‌پردازی و جمله‌بندی متکلفانه توجهی نداشته‌اند.

کلمات کلیدی: امیرکبیر، سبک‌شناسی، نامه، تحلیل نحوی.

۱- مقدمه

میرزا تقی خان فراهانی معروف به امیرکبیر، از سیاستمداران برجسته‌ای است که در دوران حکومت قاجار، اقدامات اصلاحی بسیاری جهت پیشبرد و پیشرفت کشور انجام داد. او با اتخاذ سیاست‌های مناسب توانست که اوضاع نابه سامان داخلی کشور را با اقدامات اصلاحی خود و همچنین روابط ایران با کشورهای دیگر را بهبود بخشد. از جمله آثار وی، نامه‌های ایشان است که با توجه به مناسبت یا رابطه‌ای که با ناصرالدین شاه داشته، از او برجا مانده است. نامه در لغت به معنی نوشته، رقعہ، مکتوب، کتاب و همچنین «ورقه‌ای است که روی آن مطالبی خطاب به کسی نوشته شده است» (امیدی، ۱۳۹۴: ۲۲-۲۱). و در اصطلاح عبارت است از نوشته‌هایی که با هدف مشخص میان اشخاص حقیقی یا حقوقی، و بین سازمان‌ها به منظور برقراری ارتباط مبادله می‌گردد.

«سبک را مجازاً به معنی طرز خاصی از نظم یا نثر استعمال کرده‌اند و تقریباً آن را برابر "ستیل styl" اروپائیان نهاده‌اند» (بهار، ۱۳۸۶: ۱۵). «در این علم از اصطلاحات و استعمالات لغوی، جمله‌بندی و امثال در هر دوره و قرنی بحث می‌شود» (همان: ۲۶). هر نویسنده، شیوه منحصر به فرد و ویژه‌ای در نگارش دارد. «ساخت اندیشه با نحو پیوند آشکارتری دارد تا با واژه. کیفیت چیدمان کلمه‌ها در جمله، طول جمله‌ها، نوع جمله‌ها، کیفیت وجه و زمان همگی بیانگر نوع اندیشه‌اند» (فتوحی، ۱۳۹۲: ۲۶۷). «کیفیات روحی و ذهنیات پنهان گوینده در عناصر نحوی بیشتر خودنمایی می‌کند» (همان: ۲۶۷).

ساختار دستوری هر فرد متفاوت از نحو جملات دیگری است. در نتیجه تفاوت در گزینش جملات، سبکی متفاوت به وجود می‌آید که از آن به سبک شخصی^۱ نامبرده می‌شود. سبک شخصی، «یعنی سبک خاص یک شاعر یا نویسنده که اثر او را از هر اثر دیگری متمایز می‌کند» (شمیسا، ۱۳۷۳: ۶۹). امیرکبیر نیز سبک نگارشی مخصوص به خود دارد که در نامه‌های ایشان این امر مشهود است. سبک نگارش امیرکبیر در نامه‌ها در انتخاب جملات مختص خودشان است. به عنوان شاهد مثال این که ایشان در نامه نگاری‌های خویش، پای‌بند به استفاده از صناعات ادبی و لفاظی زبانی نبوده است، نشان دهنده سبک شخصی ایشان است. مهم‌ترین سؤال پژوهش این است که عناصر مهم سبکی نحوی نامه‌های امیرکبیر چیست و چه عواملی به نامه‌های ایشان، سبکی متفاوت و منحصر به فرد بخشیده است؟ و یا به عبارت دیگر تشخیص سبکی ایشان در ساختار نحوی چیست؟

۲- پیشینه پژوهش

از جمله پژوهش‌های صورت گرفته، بررسی سبک نگارش نامه‌ها و قباله‌ها در دوره تاریخی ۱۳۲۰-۱۲۲۰ غلامرضا صادقی؛ (۱۳۹۲)؛ دانشگاه آزاد اسلامی واحد کاشان می‌باشد. تاکنون تحقیقی در زمینه سبک‌شناسی نامه‌های امیرکبیر صورت نگرفته است.

۳- بحث

۳-۱- ساختار و سیمای کلی نامه‌ها

«هو»

قربان خاکپای همایونت شوم. دستخط همایون زیارت شد. احوال این غلام را استفسار فرموده بودید، از تصدق سر قبله عالم روحنا فداه بد نیست. تا ظهری در خانه بودم، بعد بیرون آمده کاری داشتم» (آل داوود، ۱۳۷۱: ۶۵). نامه‌های امیرکبیر با عبارت «هو» و «هو الله تعالی» شروع شده است.

«نامه معمولاً با خطاب آغاز می‌شود. در خطاب، نویسنده باید شأن و مقام مخاطب، و وضع و موقعیت خود را نسبت به او در نظر بگیرد» (احمدی گیوی، ۱۳۸۹: ۴۱). مراد از عنوان، «خطاب احترام‌آمیزی است از نویسنده به گیرنده» (داری، ۱۳۵۳: ۸۱). عبارت ابتدایی اکثر نامه‌ها «قربان خاکپای همایون شوم» می‌باشد. «قربان خاکپای همایونت شوم. دستخط همایون را زیارت کردم. اگر فراغتی برای خاطر همایون هست و ممکن است» (آل داوود، ۱۳۷۱: ۶۵). عبارت پایانی همه جمله‌ها عبارت «باقی الامر همایون» می‌باشد. «باید فردا صبح زبانی عرض نمایم هم بد است هم پر بد نیست. زیاده جسارت نوزید. باقی الامر همایون مطاع» (همان: ۶۷). البته پاره‌های نامه‌ها نیز با این عبارات تمام می‌شود: «باقی الامر همایون مطاع، الامر الاقدس الاعلی مطاع، باقی الامر همایون مطاع مطاع». «کلمه‌های این قسمت باید حاکی از احترام، سپاسگزاری و محبت نسبت به مخاطب باشد و مناسب مقام و سن گیرنده نامه نوشته شود» (دهقان، ۱۳۸۶: ۴۳). «استدعا دارد بعد از آنکه به لحاظ همایون رسید، مقرر فرمایند نزد فدوی بیاورند که امروز چاپار ایشان را ان شاء الله تعالی روانه کنند. الامر الاقدس الاعلی مطاع» (همان: ۸۵). و در پاره‌ای از نامه‌هایش

^۱ - personal style

عبارت‌های زیر می‌باشد: «میرزا محمد تقی خان، محمد تقی بن محمد قربان، المتوکل علی الله محمد تقی، عبده الراجی محمد تقی، لا إله إلا الله الملك الحق المبين محمد تقی» را به نامه‌های خود افزوده است. «به عالیجاه معزی الیه حساب را مفروغ نمائید که هنگام حواله دیوان، معطلی به جهت آن حواله حاصل نشود. زیاده زیاده است والسلام. المتوکل علی الله، محمد تقی» (همان: ۲۴۶). که ایشان نام و نام خانوادگی خود را در پایان بعضی از نامه‌های خود ذکر کرده است. «نام و نام خانوادگی نویسنده، در زیر پایان نامه، در سمت چپ مرقوم می‌گردد» (دارائی: ۱۳۵۳: ۸۴).

۳-۲- مختصات کلی سبک نامه‌ها

مختصات سبک نثرهای مصنوع و متکلف در نامه‌های امیرکبیر وجود ندارد. سادگی نثر نگارش ایشان، بیشتر از نثر مشروطه تأثیرپذیرفته و مشخصه نثر ایشان، عامیانه و ساده نویسی است. «منظور از ساده نویسی، تدوین نامه‌های عامیانه و خالی از مفاهیم علمی نیست، بلکه مراد استفاده نکردن از لغات دور از ذهن و متروک، کنایه و استعاره‌های پیچیده است» (امینی، ۱۳۹۰: ۸۵). زبان جملات ایشان ساده است اما تمایل به عربی نویسی در بین کلام ایشان نیز وجود دارد. ایشان در نگارش نامه‌ها، خود را اسیر تکلف و لفاظی نمی‌کند. در مجموع نامه‌ها به صورت محاوره‌ای نوشته شده است.

۳-۳- نثر مرسل

نامه‌ها با توجه به انواع نثر، از نوع نثر مرسل است و شباهت زیادی با گفتار محاوره‌ای دارد. نمونه: «هو»

قربان خاکپای همایون مبارکت شوم. آقا محمدحسن را به حضور همایون فرستادم و عرضی به توسط او خاکپای همایون کرده‌ام. اگر قرق هم باشد، ان شاء الله احضار خواهند فرمود، تا عرض را حضور همایون معروض دارد. امیدوار است که از همان قرار ان شاء الله حکم خواهند فرمود. زیاده جسارت نوزید. باقی الامر همایون» (آل داوود، ۱۳۷۱: ۷۹).

«هو»

قربان خاک پای همایونت شوم: احوال این غلام را استفسار فرموده بودند، بد نیست. زیاده جسارت به عرض نوزید. پاره نوشتجات فارس بود به همراهی حامل ارسال حضور مبارک داشت. باقی الامر همایون» (همان: ۸۷). «قربانت بگردم. دیشب که نشد شما را ببینم. ولیکن چند کلمه حرف دارم که به اعتقاد و عقل خودم چنان فهمیده‌ام که مصلحت دولت پادشاه است و تأخیرش خیانت است. اگر عصری نیم ساعت شما را می‌دیدم بسیار خوب بود. اختیار با شماست. هر وقت مصلحت بدانید فرمایش بفرمایید» (همان: ۸۰).

۳-۴- ویژگی‌های محاوره‌ای نثر امیرکبیر

«در زبان فارسی معاصر می‌توان از گونه‌های متفاوت گفتاری عامیانه، گفتاری مؤدبانه و گفتاری معیار خبری یاد کرد و در نوشته نیز می‌توان گونه‌های نوشتاری اداری، نوشتاری تحقیقی، نوشتاری خبری و ... را نام برد» (وحیدیان کامیار، ۱۳۸۰: ۴-۳). زبان محاوره، به زبانی گفته می‌شود که شکل نوشتاری آن با شکل گفتاری آن تفاوت زیادی نداشته باشد، «نوشته‌های گفتاری که به نثر محاوره یا شکسته معروف است، یکی از گونه‌های فارسی معیار به شمار می‌رود» (ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۲۸). نمونه نثر محاوره‌ای امیرکبیر:

«هو»

قربان خاک پای همایونت شوم: اگرچه از واهمه و ترس دو دقیقه بیشتر عریضه عرض کردم که وزیر نظام از همه مرتکب کاری شده، حالا با آقا هاشم آمد. پرسیدم چرا چنین کاری کردی؟ گفت در راه به خانه خود می‌رفتم، دیدم در راه مردم حرف ویل می‌گویند، واهمه کردم. حالا خاطر جمع شدم. دیدم اراجیف است. با روسیاهی آمد، باری روی ما دو سیاه است. تا مروّت و رحم پادشاهی چه اقتضا نماید. باقی الامر همایون» (آل داوود، ۱۳۷۱: ۸۳).

عوامل زیر به نثر ایشان حالت محاوره‌ای و عامیانه بخشیده است: الف- کاربرد واژگان و جملاتی که به صورت ارتجالی در ذهن امیرکبیر وجود داشته است و بیان مطالب به ساده‌ترین شکل ممکن. نمونه: «خواستم عریضه خاک پای همایون عرض نمایم، که وعده فرمایشی در نظر مبارک هست یا نه؟ از آن جهت جسارت به عرض عریضه ورزید. باقی الامر همایون مطاع» (همان: ۱۰۳). ب- ساختار و معانی ساده و آسان فهم جملات. «او را هم فرستادم که به نظر اقدس اعلیٰ برسد. الامر الاشراف الاقدس الاعلیٰ مطاع» (همان: ۱۰۷).

پ- عدم استفاده از جملات مبهم و جمله‌بندی عامیانه و محاوره‌ای. مثل: «قربانت بگردم. دیشب که نشد شما را ببینم، ولیکن چند کلمه حرف دارم، که به اعتقاد و عقل خودم چنان فهمیده‌ام که مصلحت دولت پادشاه است، و تأخیرش خیانت است. اگر عصری نیم ساعت شما را می‌دیدم بسیار خوب بود. اختیار با شماست، هر وقت را مصلحت بدانید فرمایش بفرمایید» (همان: ۸۰).

زبان و بیان ایشان محاوره‌ای است و به صورت عامیانه به نگارش می‌پردازد. ایشان از تکلف و لفاظی در کلام دوری کرده است. مثل: «حالا دیدم وزیر دول خارجه دو کاغذ نوشته بود، البته به نظر همایون خواهد رسید» (همان: ۸۵). بدیهی است که میرهاشم خان هم بعد از این طور جواب و سؤال در زیر حمایت محسوب خواهد شد. همچنین آدمی چگونه حکومت خواهد کرد» (همان: ۸۵).

ت- استفاده از عبارات و اصطلاحات عربی: «نواب کامیاب شاهزاده جدیدالولاده، مشخص شده بود» (همان: ۸۲). «قرارآتش بازی انشاءالله تعالی در دیوان خانه است» (همانجا). «احوال مولود مسعود الحمدلله خوب است» (همان: ۸۰). «زیاده جسارت نوزید. باقی الامر همایون مطاع» (همان: ۷۹).

«این دو روزه را خدا نکرده در دل بگیرم، العیاذ بالله» (همان: ۷۸). «زیاده چه جسارت نماید. الامرالاعلی الاقدس الاعلی مطاع» (همان: ۸۲).

۳-۵- مختصات و ویژگی‌های نحوی جملات

الف- ایجاز در کلام و کوتاهی جملات: «قربان خاک پای مبارکت شوم، احوال ملک زاده بسیار خوب است. اما در سینک که هستیم امروز و دیروز ناخوش افتاده است. در بالای افجه جای خوبی است. من رفتم آنجا» (همان: ۷۷). «بعضی نوشتجات بود که لازم بود، ملحوظ نظر عنایت‌گستر همایون شود، ارسال حضور مبارک داشت که ملاحظه فرماید. چون صبح زود چاپار باید برود» (همان: ۷۵). «حالا با آقا هاشم آمد. پرسیدم چرا چنین کاری کردی؟ گفت: در راه به خانه خودم می‌رفتم، دیدم در راه مردم حرف ویل می‌گویند، واهمه کردم» (همان: ۸۳). جملات طولانی نیز به ندرت در بین کلام دیده می‌شود مثل: «در باب عرایض صاحب منصب الی آحاد افراد نوکر چنانچه دیروز امر و مقرر فرمودند بی‌واسطه و با واسطه به عرض خاک پای همایون خواهم آورد» (همان: ۸۹).

ب- جملات عامیانه و محاوره، دارای بسامد بالا می‌باشد. ایشان از همان ساختار دستوری که در نحو گفتاری خود استفاده می‌کنند در نگارش نیز به کار می‌برد. جملات دارای ساختاری گفتاری می‌باشد. مثل: امروز، لزوماً نمک خوردم. ایشان در نگارش خود را به تکلف و زحمت نمی‌اندازند و با همان زبان مرسوم در بین کوچه و بازار به نگارش می‌پردازد. جملات محاوره‌ای در کلام ایشان بسامد بالایی دارد. از ویژگی‌های نحوی جملات، محاوره‌ای بودن آن می‌باشد. ایشان از همان ساختار دستوری که در نحو گفتاری خود استفاده می‌کنند در نگارش نیز استفاده می‌کنند. جملات دارای ساختاری گفتاری می‌باشد. ایشان در نگارش خود را به تکلف نمی‌اندازند و با همان زبان مرسوم در بین کوچه و بازار به نگارش می‌پردازد. و دیگر این که کلام، به زبان گفتاری و روزمره نزدیک می‌شود. زبان و بیان امیرکبیر نیز در نامه‌ها و شیوه جمله‌بندی و ادای کلمات به سبک گفتاری شبیه بوده و زبان گفتار و زبان کلمات و نوشتار ایشان با یکدیگر شباهت زیادی دارد.

پ- نحو و جملات بیشتر اسنادی بوده و حالت منفعل دارند. نمونه: «در این صورت معلوم است در اینگونه عرایض حق به جانب این غلام نیست. امیدوار است که باعث ملالت خاطر همایون نشود» (همان: ۸۳). «احکامات آقا اسمعیل را پرپیروز به ملک‌الکتاب صورت داده، گویا نوشته شده، به مهر مبارک نرسیده باشد. مقرر شود امروز ملک‌الکتاب به مهر همایون رسانیده، بدهد تا محصل روانه شود» (همان: ۸۹).

ت- احتراز از به کار بردن صنایع ادبی و تکلف. مثل: «حوادث اخیر ایران که قتل مرحوم سعیدی مترتب بر آن‌هاست، موجب کمال تأثر است» (همان: ۱۷۵).

۳-۶- نوع جمله‌ها

«جمله عمده‌ترین واحد نحوی است» (انوری، حسن و ...، ۱۳۸۵: ۳۰۱). «جمله به آن واحد زبان فارسی گفته می‌شود که از یک بند یا بیشتر ساخته شده باشد» (باطنی، ۱۳۴۸: ۶۰). در تعریفی دیگر «جمله مجموعه کلماتی است که مقصودی را برساند، یعنی دارای اسنادی باشد که ذاتاً تام است خواه نقض عرضی داشته باشد یا نه» (خیامپور، ۱۳۸۶: ۱۸). جمله‌ها بیشتر از نوع جملات خبری بوده که معمولاً دارای ساختاری کوتاه می‌باشد و به ندرت نیز در بین کلام، از جملات طولانی استفاده می‌کند. با توجه به محتوای کلام اندکی نیز تغییر می‌کند. با توجه به این که در نامه‌ها، فعل‌های اسنادی بسامد زیادی دارد؛ جملات در متن نامه‌ها بیشتر صدای انفعال و منفعل بودن را منتقل می‌کند.

۳-۷- ترتیب اجزاء جمله

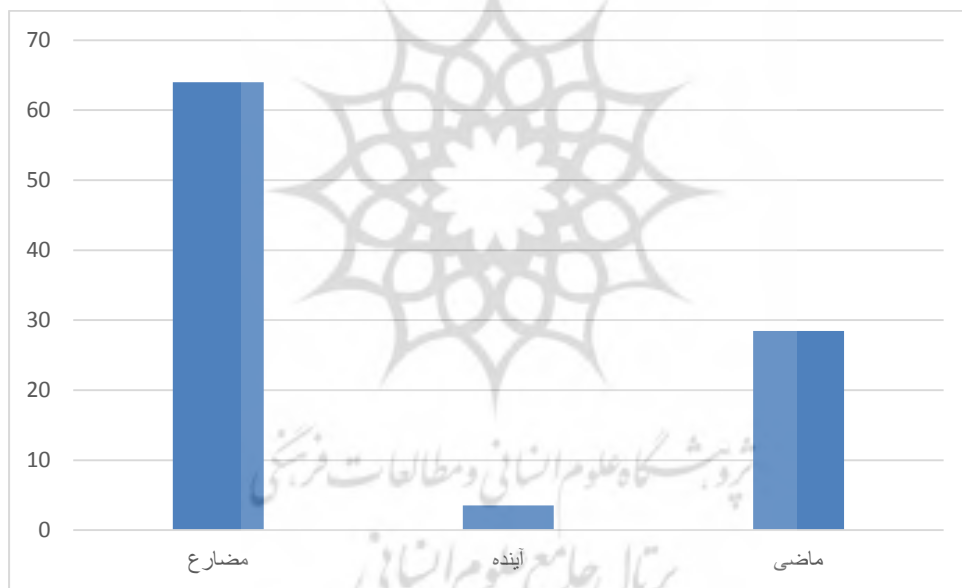
«ترتیب اجزاء در شیوه بلاغی به جنبه‌های عاطفی و اهمیت اجزاء به طرز سبک نویسندگان بستگی دارد» (وحیدیان کامیار، ۱۳۸۰: ۳۳). «در این شیوه معمولاً اجزاء کلام به منظور تأثیر بیشتر بر حسب مجوزهای دستوری جابه‌جا می‌شوند؛ این جابه‌جایی نه تنها لطمه‌ای به اصل پیام نمی‌زند بلکه حوزه تأثیر و رسایی آن را افزون می‌سازد» (همان: ۳۳). در جملات ایشان، جابه‌جایی در کلام رخ داده است.

«و چاپار را ... کاغذ کردند را امروز ندهد البته» (آل داوود، ۱۳۷۱: ۷۴). «و فدوی ادنی نوکری است از سرکار اعلی حضرت شهریاری روحی فداه» (همان: ۷۳). به گونه‌ای که در بعضی مواقع شاهد تقدیم و تأخیر اجزای جمله هستیم. ایشان توجهی به رعایت قواعد دستوری نداشته و اجزای جمله در کلام ایشان در بعضی موارد جا به جا می‌شود و در جمله‌های گوناگون اجزاء تغییر می‌کند.

نظم اجزای جمله در نامه‌های امیرکبیر در جمله‌های گوناگون تغییر می‌کند. ترتیب جملات در شیوه عادی و بلاغی متفاوت است. جابه‌جایی در اجزاء جمله و ترتیب ساختاری در نامه‌های امیرکبیر رخ داده است، هرچند که شیوه بیان ایشان از نوع بلاغی نیست.

۳-۸- زمان جملات

امیرکبیر برای مکاتبه با مخاطبان خود بیشتر از فعل مضارع استفاده کرده است که کاربرد فعل مضارع در نامه نگاری معقول‌تر است. بیشترین بسامد مربوط به زمان‌های مضارع با ۶۴٪ فراوانی می‌باشد. کمترین بسامد مربوط به زمان‌های آینده که ۳/۵۵٪ از فراوانی جامعه آماری را به خود اختصاص داده است. و بسامد زمان ماضی ۲۸/۴۵٪ می‌باشد.

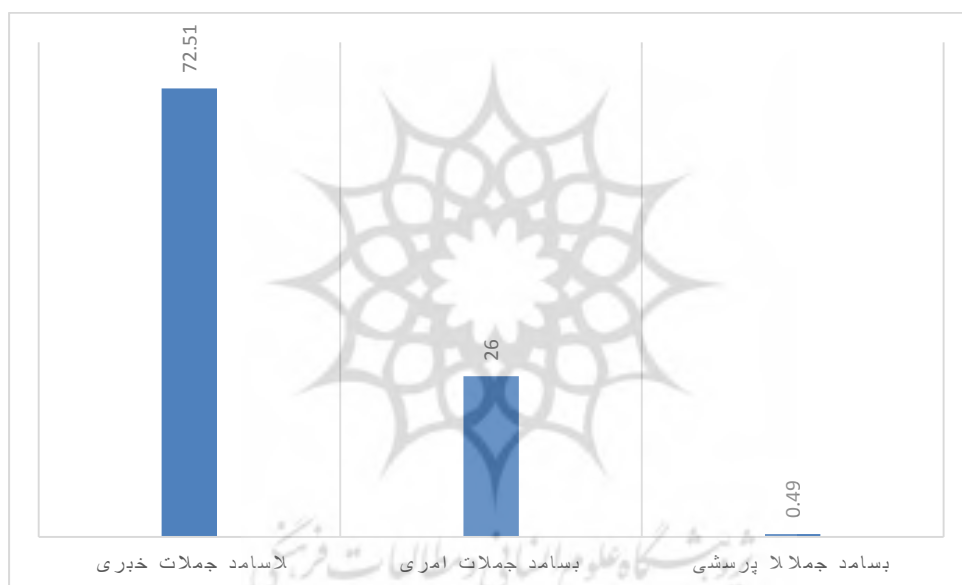


نمودار ۱- بسامد زمان جملات

۳-۹- جملات خبری، پرسشی، عاطفی و امری

«جمله سخنی است که متضمن اسناد و دارای درنگی پایانی و معنایی کامل باشد» (فرشیدورد، ۱۳۸۲: ۱۱۰). «جمله را به اعتبار طرز بیان و چگونگی ارائه پیام می‌توان چهار دسته کرد: خبری، پرسشی، عاطفی و امری» (انوری، حسن و...، ۱۳۷۰: ۳۰۷). «جمله خبری، جمله‌ای است که در آن خبری را به آگاهی کسی می‌رسانیم» (بصیریان، ۱۳۹۰: ۶۵). بیشترین جملات به کار رفته در نامه‌ها، جملات خبری است. نمونه: «چون از آدم‌های ما اغلیبی ناخوشی گرفته‌اند بی‌ادبی دانستم که به اردوی قبله عالم بیایم» (آل داوود، ۱۳۷۱: ۷۷). «دستخط مبارک رسید» (همان: ۸۰). «منتظر تشریف آوردن شما هستیم» (همان: ۸۰). «زیرا که فدوی دو خدمت در این خانه داشتم، حالا الحمدلله از هر دو راحت هستم» (همان: ۸۱). «جواب کاغذهای عالیجاه میرزا ابراهیم خان مصلحت گزار را نوشته بود فرستاد» (همان: ۱۰۹).

جمله پرسشی، «در آن درباره امری پرسش به عمل می‌آید» (انوری، حسن و...، ۱۳۷۰: ۳۰۷). نمونه: «نمی‌داند قرار تشریف فرمایی سردر هم در نظر مبارک هست یا نه؟» (آل داوود، ۱۳۷۱: ۸۲). «حالا با آقا هاشم آمد. پرسیدم چرا چنین کاری کردی؟» (همان: ۸۳). از جملات پرسشی اندک استفاده شده است. «قربان خاک پای همایون مبارکت شوم. خواستم عریضه خاکپای همایون عرض نمایم، که وعده فرمایشی در نظر مبارک هست یا نه؟» (همان: ۱۰۳). در نامه‌های امیرکبیر بیشترین بسامد مربوط به جملات خبری است و کمترین بسامد مربوط به جملات پرسشی است. بسامد جملات خبری ۷۲/۵۱٪. بسامد جملات امری ۲۶٪.



نمودار ۲- بسامد جملات خبری، پرسشی و امری

۳-۱۰- جملات دعایی

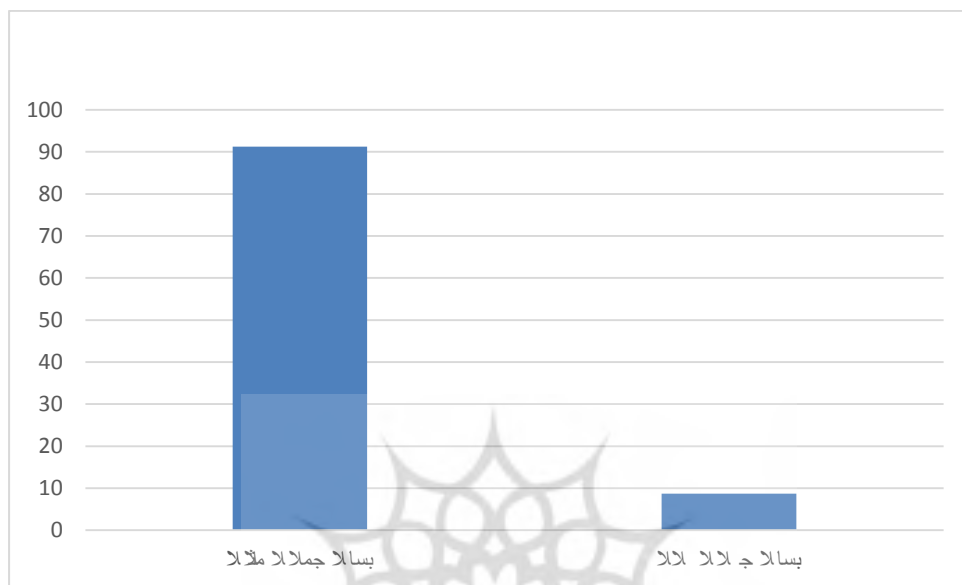
امیرکبیر همچنین از جملات دعایی قرآنی و عربی در متن نامه‌های خود و در بین کلام استفاده کرده است. استفاده از جملات دعایی مثل: «تا در قوه داریم یک وجب از خاک خودمان را نباید به بخشش بدهیم. ان شاء الله» (آل داوود، ۱۳۷۱: ۷۳). «امروز که بحمدلله تعالی به سبب زود سوار شدن به وجود» (همان: ۷۵-۷۴). «ان شاء الله و همان وقت سوار شویم» (همان: ۷۵) «حضرت شاهنشاهی روحی و روح العالمین فداه فراموش نشده» (همان: ۷۹). «و چه از مأمورین سرحدات ان شاء الله این غلام جان نثار دقیقه و آن غفلت نخواهد داشت» (همان: ۸۸).

۳-۱۱- جملات عربی در نامه‌ها

یکی دیگر از ویژگی‌های نحوی جملات ایشان استفاده از عبارت‌های عربی در کلام است. مثل: «به عرض حضور باهرالنور برساند» (همان: ۸۲). «باقی الامرهمایون مطاع» (همان: ۸۴). «که حسب الحکم معمول شود» (همان: ۸۸). «ثانیاً الحکم لله، به قضای آسمانی و حکم پادشاهی حاضرم» (همان: ۸۷). «حالا الحمد لله از هر دو راحت هستم» (همان: ۸۱).

۳-۱۲- جملات مثبت و منفی

در نامه‌های امیرکبیر بیشترین فراوانی جملات مربوط به جملات مثبت است. مثل: «صبح پاره نوشتجات خوب از استرآباد رسیده بود، فرستادم به نظر همایون برسد» (آل داوود، ۱۳۷۱: ۶۵). «احوال این غلام را استفسار فرموده بودید، زهی شکرگزاری به عمل آمد» (همان: ۷۵). «فعل منفی با پیشوند نفی ظاهر می‌شود» (مشکوٰۃ‌الدینی، ۱۳۸۵: ۱۳۰). جملات منفی فراوانی کمتری دارد. مثل: «به نظر همایون نرسیده. زیاده جسارت نورزید» (آل داوود، ۱۳۷۱: ۶۵).
بسامد جمله مثبت ۹۱/۲۹٪ بسامد جمله منفی ۸/۷۱٪



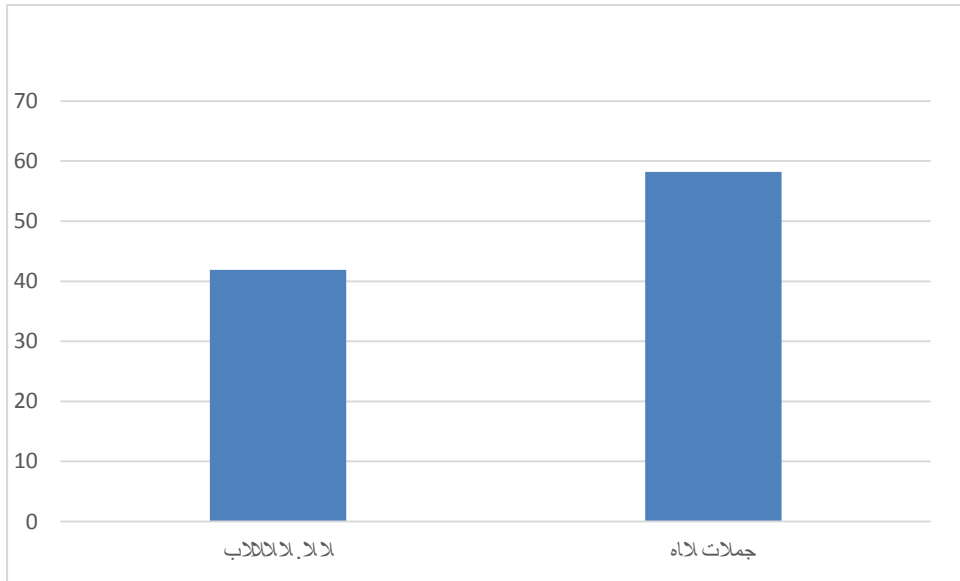
نمودار ۳- بسامد جملات مثبت و منفی

۳-۱۳- جملات ساده و مرکب

«جمله بر دو نوع است: ساده و مرکب» (مشکوٰۃ‌الدینی، ۱۳۸۵: ۹۹). «جمله ساده آن است که در آن یک فعل به کار رفته باشد و جمله وابسته‌ای نداشته باشد» (وفایی، ۱۳۹۰: ۱۷). جمله ساده، جمله‌ای است که در آن تنها یک فعل به کار رفته باشد» (انوری، حسن و ...، ۱۳۷۰: ۳۰۹). مثال: «دست خط همایون زیارت شد. آجودان باشی هم فرمایشات همایون را ابلاغ نمود ... اگر زیاده عرض نمایم جسارت است» (آل داوود، ۱۳۷۱: ۷۹). «قربان خاک پای همایونت شوم. دستخط همایون زیارت شد. فدوی امروز در خانه بودم. کاری که داخل کار باشد ندارم» (همان: ۸۳).

جمله مرکب، «آن است که در داخل آن جمله‌واره باشد و بیش از یک مسند یا فعل داشته باشد و در آن حروف ربط، گروه‌های ربطی و عناصر و ادوات دستوری دیگری به کار رفته باشد» (فرشیدورد، ۱۳۸۲: ۱۱۹). به عبارت دیگر «هرگاه در ابتدا یا میان جمله‌ای یکی از قیده‌های تفسیر، تعلیل، زمان و شرط مانند تا، که، اگر، همین که، چون و ... بیاید، باعث می‌شود که مفهوم آن جمله ناقص شود و برای کامل شدنش نیاز به جمله‌ای دیگر پیدا کند. به مجموع این دو جمله، جمله مرکب می‌گویند» (رضایی، ۱۳۹۲: ۱۴۲). مثال: «رسماً نوشته بود که در حمایت دولت ماست» (آل داوود، ۱۳۷۱: ۸۵). «مقصودی نداشتم که شما را از این اراده و فرمایش، عرض‌هایی بکنم که دلیل پشیمانی باشد، زیرا که با عریضه و بی‌عریضه این غلام از اول نوکری به جمیع احکام و فرمایش و رضای شما طالب بوده و هستم» (همان: ۸۵). «حالا مدتی است که این مرحمت تا به قاسم خان صاحب جمع هم رسیده تا به سایر چه رسد» (همان: ۸۱). «البته جزای خدمت نظمی است که برای قشون پادشاهی کشیده، باید از صبح تا شام برای مردم هریک به زبانی» (همان: ۸۱). «همانجا که خانم هست اگر میل دارید ساعتی شرفیاب حضور شما شوم» (همان: ۷۸).

بیشترین بسامد مربوط به جملات ساده با فراوانی ۵۸/۲۲٪ و کمترین بسامد مربوط به جملات مرکب است با فراوانی ۴۱/۸۸٪ است.



نمودار ۴- بسامد جملات ساده و مرکب

۳-۱۴- شبه جمله

شبه جمله از یک یا چند واژه تشکیل می شود و مفهوم یک جمله را در بر دارد. «هرگاه همه بخش های ژرف ساخت حذف شده و تنها مهم ترین بخش آن و یک واژه غیر فعل باقیمانده باشد بدان شبه جمله می گویند» (رضایی، ۱۳۹۲: ۱۳۲). شبه جمله های به کار رفته مثل: «و اینکه مبدا رفتار این دو روزه را خدا نکرده در دل بگیریم. العیاذ باللّٰه» (آل داوود، ۱۳۷۱: ۷۸). «که خدا نکرده خدا نکرده برای شما در دنیا خفت حاصل شود» (همانجا). «خاطر اقدس همایون نیز تعلق گرفته زهی سعادت است، این غلام هم در رکاب خواهد آمد» (همان: ۷۶). «اولاً به خدا، به خدا، به ولای مرتضی علی که تا جان دارم» (همان: ۷۸).

۳-۱۵- تعارفات درباری

تعارف، یکی از ویژگی های اجتماعی و فرهنگی هر ایرانی است که در مناسبات و دیالوگ های خود به کار می برند. «عبارت های احترامی یا «تعارفی»، در هر زبانی هست و با رعایت مقام یا درجه مخاطب مرقوم می گردد» (دارائی، ۱۳۵۳: ۱۲۵). نکته ای که باید به آن توجه کرد این است که جملاتی که امیرکبیر به کار برده است، مربوط به نوع گفتمان و دیالوگ هایی است که در رابطه پادشاه و زبردستان مرسوم بوده است. «قربان خاک پای همایونت شوم» (آل داوود، ۱۳۷۱: ۸۶). «الامر همایون مطاع» (همان: ۸۷). «باقی الامر همایون» (همان: ۸۷). «قربان خاک پای جواهر آسای مبارکت گردم» (همان: ۸۸). «قربان خاک پای مبارکت شوم» (همان: ۸۸). ایشان بیشتر از تعارفات گفتاری و زبانی در دیالوگ های خود با ناصرالدین شاه استفاده کرده است که بیان کننده احترام و تأکید بر مرتبه اجتماعی شاه است.

۴- نتیجه‌گیری

امیرکبیر به ساختارمند بودن یا زیبایی کلام خود کمتر پرداخته، و بیشتر به معنا و بیان مطلب به روشی ساده توجه کرده است؛ به گونه‌ای که می‌توان نثر نامه‌های ایشان را نمونه کامل نثر مرسل محسوب داشت. ایشان از جملات مبهم در نامه‌های خود استفاده نکرده و مانند عامه مردم، به سبک و زبان گفتاری به تحریر نامه‌های خود پرداخته است. ایشان از کاربرد ضرب‌المثل‌ها و استشهادات شعری در نامه‌های خود پرهیز کرده است. صراحت در بیان و دوری از جملات طولانی از دیگر ویژگی نحوی جملات ایشان است؛ به گونه‌ای که وی در انتخاب جملات طولانی و کوتاه، بیشتر از جملات کوتاه در بیان مطلب استفاده کرده است. جملات در کلام ایشان واضح و روشن است و مخاطب به راحتی می‌تواند پیام متن را درک کند. ایشان هر آنچه را که در خاطر داشته است با زبانی ساده که حاکی از زبان مرسوم گفتاری است، بیان کرده است. عبارات، جملات و اصطلاحات عربی در کلام ایشان وجود دارد. توجه به کلامی که سرشار از آرایه‌های ادبی باشد در نظر ایشان رنگ می‌بازد. سادگی و روشنی معنا و مفهوم جملات، نیاز به تأمل و اندیشه زیاد ندارد و از جملات دشوار فهم کمتر استفاده کرده است. معنای جملات نیز ساده و قابل فهم است. مهمترین ویژگی و مشخصه جمله‌ها، گفتاری و محاوره‌ای بودن آن می‌باشد. زبان نامه‌ها، بی‌تکلف است. جملات ساده دارای بسامد بیشتری نسبت به جملات مرکب می‌باشد.

نامه‌ها سبک و لحن محاوره‌ای در سطح عبارات و جملات دارد. جملات در نامه‌های امیرکبیر، تعقید و پیچیدگی‌های زبانی و ساختاری و ابهام ندارد. جملات و عبارات به جز پاره‌ای از اصطلاحات و واژگان عربی، ساده، گویا و روشن است. جملات تا حدود زیادی از دستورمند بودن خارج می‌شود. جملات خبری بیشترین بسامد در بین سایر جملات دارد. بخشی از جملات با بسامد اندک را، جملات قرآنی و دعایی تشکیل می‌دهد. از مهم‌ترین مختصات نثر امیرکبیر، محاوره نویسی و سادگی است. نحو جملات با ساختار دستوری جملات گفتاری شباهت زیادی دارد. جملات واضح و در نهایت سادگی نگارش یافته است.

امیرکبیر متأثر از زبان عامیانه به چند روش عمل می‌کند: جمله‌بندی عامیانه و محاوره‌ای، ترکیبات و عبارات عامیانه، کاربرد اصطلاحات عامیانه. نامه‌های ایشان به جز پاره‌ای اصطلاحات و واژگان عربی نمونه نثر مرسل است. ترتیب جملات در پاره‌ای موارد جابه‌جایی اتفاق افتاده است. ایشان در نگارش نامه‌های خود بیش از لفظ، به معنا و محتوا توجه داشته است. ایشان به رسایی پیام و صحت کلام توجه داشته است. سادگی بیان مهم‌ترین ویژگی سبکی نامه‌های ایشان می‌باشد که بی‌پیرایگی سبب انتخاب این نوع نثر شده است.

منابع و مراجع

- ۱- احمدی گیوی، حسن، ۱۳۸۹، ادب و نگارش، چاپ سیزدهم، تهران: قطره.
- ۲- آل داوود، سید علی، ۱۳۷۱، اسناد و نامه‌های امیرکبیر، چاپ دوم، تهران: سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران.
- ۳- انوری، حسن؛ احمدی گیوی، حسن، ۱۳۸۵، دستور زبان فارسی ۲، چاپ اول، تهران: فاطمی.
- ۴- ارژنگ، غلامرضا، ۱۳۷۴، دستور زبان امروز، چاپ اول، تهران: قطره.
- ۵- امینی، کاظم، ۱۳۹۰، آیین نگارش و مکاتبات اداری، چاپ بیست و نهم، تهران: مرکز آموزش مدیریت دولتی.
- ۶- باطنی، محمدرضا، ۱۳۴۸، توصیف ساختمان دستوری زبان فارسی، تهران: امیرکبیر.
- ۷- بصیریان، حمید، ۱۳۹۰، دستور زبان فارسی، چاپ اول، قم: مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی.
- ۸- بهار، محمدتقی، ۱۳۸۶، سبک‌شناسی، جلد اول، چاپ دوم، تهران: زوآر.
- ۹- خیامپور، عبدالرسول، ۱۳۸۶، دستور زبان فارسی، چاپ سیزدهم، تبریز: ستوده.
- ۱۰- دارائی، بهین، ۱۳۵۳، آیین نامه نگاری، تهران: مدرسه عالی دختران ایران، نشریه شماره ۲۸.
- ۱۱- دهقان، علی، ۱۳۸۶، فن نامه نگاری در زبان فارسی، تبریز: شایسته.
- ۱۲- ذوالفقاری، حسن، ۱۳۹۲، کتاب کار نگارش و انشاء، چاپ هشتم، تهران: اساطیر.
- ۱۳- رضایی، مهدی، ۱۳۹۲، دستور زبان فارسی، تهران: میترا.
- ۱۴- شمیسا، سیروس، ۱۳۷۳، کلیات سبک‌شناسی، تهران: فردوس.
- ۱۵- صادقی، غلامرضا، ۱۳۹۲، بررسی نگارش نامه‌ها و قباله‌ها در دوره‌ی تاریخی ۱۳۲۰-۱۲۲۰ ه.ش، [پایان نامه کارشناسی ارشد]، دانشگاه آزاد اسلامی واحد کاشان.
- ۱۶- فتوحی رودمعجنی، محمود، ۱۳۹۲، سبک‌شناسی رویکردها و روش‌ها، چاپ دوم، تهران: سخن.
- ۱۷- فرشیدورد، خسرو، ۱۳۸۲، دستور مفصل امروز، چاپ اول، تهران: سخن.
- ۱۸- مشکوٰۃ‌الدینی، مهدی، ۱۳۸۵، دستور زبان فارسی بر پایه نظریه گشتاری، چاپ هشتم، مشهد: دانشگاه فردوسی مشهد.
- ۱۹- وحیدیان کامیار، تقی، ۱۳۸۰، دستور زبان فارسی ۱، چاپ دوم، تهران: سمت.
- ۲۰- وفایی، عباسعلی، ۱۳۹۰، دستور کاربردی متن ادبی، چاپ اول، تهران: سخن.